

کارنامه‌ی اسطوره‌شناسی ۱

نمونه‌هایی از روند آگاهی اسطوره‌ای در

شاهنامه فردوسی

دکتر سجاد حسن فیلم



پژواک کیوان

نشانه‌هایی از روند آگاهی اسطوره‌ای در

شاهنامه فردوسی

دکتر محمدحسین فیلم

☆☆☆

نشر پژواک کیوان

حروفچین و صفحه‌نگار: سعید شبستری

طراح جلد: مرضیه محقق

چاپ و صحافی: لیا نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰ سال نشر: ۱۳۹۹

شماره‌ی ثبت: ۳۰۷۸۲۸-۳۲۸۱۳-۹

شماره شابک: ۷-۰۱-۷۰۲۹-۶۷۸-۹۷۸

قیمت: ۴۴۰,۰۰۰



www.pikeyvan.com

pikeyvan@gmail.com

تهران: کریم‌خان، خیابان نجات‌اللہی، کوچه حقیقت‌طلب، شماره ۳، واحد ۴، عربی

تلفن: ۸۸۸۰۴۲۴۹؛ ۸۸۸۹۷۲۱۲-۰۲۱؛ همراه: ۰۳۳-۹۱۲۸۱۴۱۰۳۳

سرشناسه	: فیلم، محمدحسین، ۱۳۳۵
نوان قراردادی	: شاهنامه، برگزیده، شرح
نوان نام پدیدآور	: نشانه‌هایی از روند آگاهی اسطوره‌ای در شاهنامه فردوسی / محمدحسین فیلم
مشخصات سر	: تهران، پژواک کیوان، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهر	: ۲۴۰ص
فروست	: کارنامه‌ی اسطوره‌شناسی ۱
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۹-۰۱-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: فردوسی ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ق. شاهنامه--نقد و بررسی
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh : Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی--تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry--History and criticism
رده‌بندی کنگره	: PIR۴۴۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۰/۲۱
شماره کتاب‌شناسی	: ۶۰۹۴۳۵۸

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	گفتار اندر آفرینش
۱۷	گفتار اندر فراهم آمدن شاهنامه
۱۹	پادشاهی کی مرثی سال بود
۲۲	پادشاهی هوشنگ چهل سال بود
۲۵	پادشاهی تهمورث بیست سال بود
۲۸	پادشاهی جمشید هفتصد سال بود
۳۲	گفتار اندر داستان مرداس
۳۶	دیو
۳۸	اژدها پیکر
۴۰	پادشاهی ضحاک تازی هزار سال بود
۴۲	گفتار اندر زادن آفریدون از مادر
۴۸	پادشاهی فریدون پانصد سال بود
۵۲	دو گونه گهر
۵۴	گفتار اندر بخش کردن آفریدون جهان را بر پسران
۵۹	پادشاهی منوچهر صد و بیست سال بود
۶۱	گفتار اندر داستان سام نریمان و زادن زال
۶۶	گفتار اندر زادن رستم از مادر
۷۰	پادشاهی نوذر هفت سال بود
۷۷	پادشاهی قباد صد سال بود

۷۹	پادشاهی کیکاوس صد و بیست سال بود
۷۹	داستان جنگ مازندران
۹۱	داستان جنگ هاماوران
۱۰۲	داستان رستم و سهراب
۱۰۸	داستان سیاوش
۱۲۲	سرافراز کیکسرو
۱۲۲	گفتار اندر زادن کیکسرو از مادر
۱۲۴	داستان تین و سیاوش
۱۲۷	گفتار اندر خراب دیدن گرد ز سروش را
۱۲۸	داستان رفتن گیو به رگستان
۱۳۵	پادشاهی کیکسرو شصت سال بود
۱۳۶	گفتار اندر برگزیدن لشکر ایران بر کیکسرو
۱۳۸	داستان فرود سیاوش
۱۴۰	داستان کاموس کشانی
۱۵۱	داستان رستم و اکوان دیو
۱۵۳	داستان بیژن و منیژه
۱۶۱	داستان رزم یازده رُخ
۱۷۶	داستان جنگ بزرگ کیکسرو
۱۸۷	گفتار اندر شبیخون کردن افراسیاب بر کیکسرو
۱۹۷	گفتار اندر سیر شدن کیکسرو از پادشاهی
۲۰۵	پادشاهی کیکاوس صد و بیست سال بود
۲۰۷	پادشاهی گشتاسپ صد و بیست سال بود
۲۱۳	داستان رستم و اسفندیار
۲۲۳	داستان رستم و شغاد
۲۲۴	پادشاهی بهمن شصت سال بود
۲۲۶	پی نوشت

پیشگفتار

در دیباچه شاهنامه فردوسی، در گفتار اندر آفرینش چنین آمده: پس از پدید آمدن چهار سوهر و گند، تیزرو و زمین، گیاه رُست با چند گونه درخت، از آن پس جاده آمد پدید، نه گویا زبان و نه جو یا خرد. آنگاه مردم آمد پدید.

پرسش این است که مردمان تازه پدید آمده، در سپیده دم تاریخ چه نیازها، بیم‌ها و آرزوهایی داشته‌اند؟ چه کسش‌های عاطفی و خردورزانه‌ای برای برآورده کردن نیازها و آرزوها و رویارویی با بیم‌ها و هراس‌ها از خود بروز داده‌اند؟ در راه آفرینش جهان انسانی خویش به دست‌آوردهایی داشته‌اند؟ آیا از این بیم و نیاز و آرزو و دست‌آورد، می‌توان نشانی از شاهنامه فردوسی جست؟ جوینده نیازمند چه ابزارهایی است؟ بی‌گمان شناخت اسطوره به عنوان صورتی از اندیشه می‌تواند ابزاری کارآمد باشد.

شناخت اسطوره، بینشی که مردمان تازه پدیدآمده، دوران کودکی فکری‌شان را با آن گذرانده‌اند، به عنوان جهانی خودبسامان و با ساز و کار ویژه خود، پیش‌نیاز شناخت بخش اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی است. «اسطوره از میان زندگی آیینی مردم بیرون می‌آید و همراه گفتاری مراسم نمایشی آیین

است.»* «تبیین اسطوره‌ای واقعیت بی واسطه‌ای را که در مناسک حاضر است را به شکل داستان ارائه می‌دهد.»**

«آیین، بیان جسمانی عواطف است و اسطوره، بیان سمبلیک عواطف. زندگی روانی را نباید با زندگی آگاه اشتباه کرد. آگاهی بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد. آگاهی، نمی‌تواند زندگی عاطفی بشر را آشکار کند، بلکه ذات آن را در پس نقاب و در شکل‌های گمراه‌کننده پنهان می‌نماید.»***

آیین‌ها بر عراف (بیم‌ها و آرزوها) و بخش ناخودآگاه روان آدمی استوارند و همراه آیین، نشانی از آگاهی اسطوره‌ای در خود دارد.

در بخش اسطوره‌ای شاهنامه، می‌توان هم سه بخش هزاره‌ای را دید و هم سه مرحله‌گذار بینش اسطوره‌ای، از نشانه تقلیدی و تصویری آغازین تا پیدایی اندیشه انتزاعی را متدایز کرد.

برای شناخت محتوای اسطوره‌ای در یک از این سه هزاره شاهنامه، باید نقش عدد اسطوره‌ای را از معنای کنونی عدد به عنوان واحد شمارش در جهان‌بینی علمی و جایگاه آن در دستگاه اعداد، تمایز کنیم. «بنیان درک ملموس بینش اسطوره‌ای از اعداد ۱ و ۲ و ۳ از سه پایه طبیعی حیات بشری یعنی پدر، مادر و فرزند بوده است.»**** عدد ۴، ریشه سه‌تهدیه‌ای دارد و مانند سه عدد ۱ و ۲ و ۳ تباطی با جهان انسانی و قلمرو بین‌النهرین و تو و او ندارد.

بینش اسطوره‌ای عدد ۱ را در هستی پدر می‌بیند و از سوی دیگر آسمان را هم پدر می‌پندارد. هزاره نخست شاهنامه را می‌توان، هزاره پدر / آسمان نامید که

* (دکتر مهرداد بهار - پژوهشی در اساطیر ایران - ص ۳۶۲)

** (ارنست کاسیرر - فلسفه صورتهای سمبلیک - ترجمه یدالله موذن - ص ۳۳۰)

*** (ارنست کاسیرر - اسطوره‌ی دولت - ترجمه یدالله موذن - ص ۹۸ و ۱۱۴)

**** (ارنست کاسیرر - فلسفه صورتهای سمبلیک - ترجمه یدالله موذن - ص ۲۴۰)

در این هزاره، باورهای پدرسالارانه و پدرتبارانه اقوام کوچ‌گرد را می‌بینیم که در آن نخستین مرد و نخستین شاه جای گرفته‌اند و جانشین پدری آسمانی، اهورامزدا در هزاره‌باوری اوستا شده‌اند. هزاره نخست شامل پادشاهی کیومرث، هوشنگ، تهمورث و جمشید است. کیومرث در اوستا، نخستین انسان است و در شاهنامه نخستین شاه. هوشنگ و تهمورث هم در روایع نمای کهن‌تر، نزد اقوام گوناگون ایرانی، نخستین انسان پنداشته می‌شدند. جمشید در شاخه هندی اقوام هند و ایرانی با نام یم، نخستین انسان دانسته شد و رساله‌ها در جایگاه شاه چهارم پیشدادی نشانده شده‌است.

هزاره دوم، دوران هزارساله پادشاهی ضحاک است. بیش اسطوره‌ای عدد ۲ را در وجود مادر می‌بیند و زمین را هم مادر می‌پندارد. هزاره دوم را می‌توان هزاره مادر/زمین دانست. داستان ضحاک، باورهای آیین‌های مادرسالارانه و مادر تبارانه مردمان یکجانشین را می‌توان دید که به همراه آن هرآنچه که اقوام پدرسالار، اهریمنی می‌پنداشته‌اند، یکجاسته‌بندی شده‌اند. چون در باور اقوام پدرسالار آریایی زبان که ما داستان را از زبان آن‌ها می‌خوانیم، هزاره دوم، هزاره کامروایی اهریمن بود. از همین روی، آریایی‌ای از باورهای ناهمگون را در این داستان می‌بینیم که نقش اسطوره‌ای عدد ۱ را پیدا می‌کند. آن‌هاست.

هزاره سوم را می‌توان هزاره فرزند؛ پسر/کوه، دختر/رود، نام نهاد. در بیش اسطوره‌ای آسمان پدر است و زمین مادر. کوه و رود هم فرزندان، کوه پسر و رود دختر. نیمه نخست هزاره سوم را می‌توان دوران پانصد ساله یا شاهی فریدون پدرتبار و پرورش یافته در کوه دانست. بر همین بنیان و باور است که نامگذاری فرزند پسر، همسرگزینی برای فرزندان پسر، ناسازگاری پسران با یکدیگر و ناخشنودی پسران از بخشش پدری همگی یکجاسته‌بندی و در داستان فریدون، که ناموازه فریدون هم به معنی سه بار توانا و یا توانا بر سه چیز جای داده شده‌اند. بخش دوم هزاره سوم را می‌توان هزاره فرزند، دختر/

رود و دوران پانصدساله پهلوانی رستم، فرزندی رودابه از نوادگان ضحاک دانست. شاید از همین روی باشد که رستم پروردگار سیاوش، توتمی گیاهی، رویش یافته از زمین دانسته شد.

در آغاز پدید آمدن مردمان، آن‌ها برای ایمن نگه داشتن خود از خطر ددان و درندگان و همچنین به دلیل نیاز کودکان به نگه‌داری و پرورش دراز مدت، ناپدید شدن و ریختن گروهی بوده‌اند. زندگی گروهی هنگامی می‌تواند کارایی خود را داشته باشد و پدیدار بماند که افراد یک گروه بتوانند همگروهان خود را از مفهومی که در ذهن خود دارند آگاه کنند. در سپیده دم تاریخ و نبود واژه‌ها، کیومرث و گروهش چاره آن دیدند که برای بروز مفهوم ذهنی خود از پلنگ، که ما در این روزگار بر آن نام نهاده‌ایم، پلنگینه بپوشند. این پوشش و رفتار گروهی، نشانه یک مفهوم ذهنی است. پلنگینه را می‌توان نشانه تقلیدی و تصویری دانست که یک مفهوم ذهنی را در ذهن می‌دهد و عینیت می‌بخشد. این سرآغاز آگاهی اسطوره‌ای است. کوشش شده است که گذار سه مرحله‌ای بینش اسطوره‌ای از نشانه تقلیدی و تصویری، از زمین تا پیدایی اندیشه انتزاعی-سمبلیک در شاهنامه فردوسی پیگیری شود.

در شماری از گفتارهای شاهنامه فردوسی، چندگانگی‌هایی می‌بینیم که در نگاه نخست هیچ پیوندی با یکدیگر ندارند، ناهمگون می‌نمایند و در کنار هم چیده شده‌اند. باید جست‌وجو کرد که بینش اسطوره‌ای بر بنیان کدام دایره این چندگانه‌ها را متمایز و یکجا دسته‌بندی کرده است. برای نمونه، در داستان تهمورث رام کردن ددان، به رشته درآوردن موی و خط آموختن از دیوان یکجا و در یک گفتار آورده شده است که در نگاه نخست پیوندی میان آن‌ها دیده نمی‌شود. لیکن شاهنامه می‌گوید که تهمورث؛ — نهفته همه سودمندی گزیده—. می‌توان گفت که بینش اسطوره‌ای در دد و دیو، سودمندی نهفته می‌دیده است و سودمندی نهفته را می‌توان رشته پیوند این چندگانه در یک

گفتار دانست. دَدان را رام کرد و موی‌شان را به رشته درآورد و از سودش بهره گرفت، از دیوان که وجودی زیان‌بار پنداشته می‌شدند هم، نبشتن و دانش آموخت. پس در وجود دیوان هم سودمندی نهفته می‌دید. یافتن رشته پنهان پیوند چندگانه‌ها در یک گفتار، می‌تواند راه‌گشا و راهنمای شناخت بخش اسطوره‌ای شاهنامه باشد.

الگوی تمایز هم می‌تواند راهنما و راه‌گشا باشد. الگوی آغازین تمایز روشنائی و تاریکی، دریچه نگرش بینش اسطوره‌ای به دیگر مفاهیم بنیادین متضاد شد. تاریکی دیو دانست و بر همین بنیان؛ خواب، پیری، بیماری، مرگ، ... را می‌پنداشت. در یک باور کهن آیین زروانی، آب دشمن سرشتی آتش پنداشته می‌شد. در امری منی^۱ تقابل آتش و آب راهم مانند رویارویی روشنائی و تاریکی می‌تواند الگوی تمایز تضاد در بینش اسطوره‌ای دانست که نشانی از آن را، از آغاز داستان را تا پایان داستان بیرون کشیدن افراسیاب از آب تیره به دست هوم را می‌توان مشاهده کرد.

بینش اسطوره‌ای با این بُن‌مایه‌ها و با این نگرش‌ها، در چهارچوب داستان‌های اسطوره‌ای، همه هراس‌ها، آرزوهای دست‌آوردهای فنی و فکری مردمان این مرزوبوم را، در هستی و کار و شخصیت‌هایی اسطوره‌ای متمایز، دسته‌بندی و روایت می‌کند که نام آن شخصیت اسطوره‌ای، تا اندازه زیادی گویای کارنامه آن شخصیت اسطوره‌ای هم هست. هراس‌هایش را با یک شخصیت اسطوره‌ای که بر آن نام افراسیاب نهاده شده به تقابل می‌کشد که نامواژه افراسیاب به معنی بسیار هراس‌انگیز است. آرزوهایش را در هستی کاوس جای می‌دهد که نامواژه کاوس هم به معنی آرزوست. دست‌آوردهایش را در قلمرو نامگذاری به کیخسرو نسبت می‌دهد که نامواژه خسرو نیز معنی نیکنام و خوش‌آوازه را ادا می‌کند.

داستان‌های اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی مهر و نشان روش و آیین

فرمانروایی روزگار گردآوری خدای نامگ مانند؛ شاه، سپهبد، مرزبان، سالارِ بار... را نیز به همراه خود دارد.

همه ابیات از شاهنامه‌ای که به کوشش دکتر جلال خالقی مطلق به چاپ رسیده، گزینش شده‌است. امیدوارم این گردآوری که با بهره‌گیری از اندیشه‌های دکتر مهرداد بهار و ارنست کاسیرر فراهم آمده، برای دوستداران شاهنامه بهره‌ای داشته باشد.

www.ketab.ir